

۱ کدام عبارت درباره ارتباط فلسفه و شاخه‌های علوم، درست است؟

۱ این مسئله که دانشمندان انسان را صاحب روح غیرمادی بدانند یا نه، در نظریات آن‌ها پیرامون مباحث مابعدالطبیعه تأثیرگذار است.

۲ دانشمندان علوم انسانی عقاید و نظریاتی درباره ماهیت و حقیقت انسان دارند که در رشته‌های مختلف علوم انسانی، بررسی می‌شوند.

۳ تمامی علوم بر مبنای و اصولی علمی و تجربی استوار هستند که اثبات آن‌ها در هیچ‌یک از رشته‌های علوم تجربی ممکن نیست.

۴ نظریات دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم انسانی مبتنی بر دیدگاه آن‌ها نسبت به حقیقت و ماهیت انسان است.

۲ کدام عبارت با «سوسیالیسم» بیشتر سازگار است؟

۱ شکل‌گیری روح جمعی در زندگی اجتماعی انسان‌ها

۲ تأثیرگذاری متقابل فرد و جامعه بر یکدیگر

۳ مختار و صاحب اراده آزاد بودن انسان

۴ انتخاب فرهنگ با ترازوی عقل و منطق

۳ کدام گزاره، به ترتیب به حوزه معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و فلسفه مضاف تعلق دارد؟

۱ شک در همه دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست - در هستی علتی وجود دارد که نیازمند علتی دیگر نیست - فکر و اندیشه انسان متأثر از جامعه است.

۲ مفهوم معرفت، بی‌نیاز از تعریف است - با استفاده از عقل می‌توان موجودات غیرمحسوس را شناخت - حقیقت انسان، همان روح و نفس است.

۳ علم و دانش انسان، دارای اعتبار است - ابزارهای مختلفی برای درک جهان وجود دارد - انسان ذاتاً به زندگی اجتماعی گرایش دارد.

۴ در هستی هیچ‌چیز ثابتی وجود ندارد - انسان می‌تواند قانون علیت را دریابد - میان شناخت افراد از یک موضوع تفاوت وجود دارد.

۴ کدام گزاره از احکام عام و کلی هستی محسوب می‌شود؟

۱ زیربنای تمامی علوم تجربی، مبنای و قواعدی هستند که در فلسفه بررسی می‌شوند.

۲ از میان موجودات هستی، فقط انسان صاحب اختیار و اراده آزاد است.

۳ با حس و عقل، تمام عوالم هستی و احکام آن را نمی‌توان شناخت.

۴ هیچ موجودی نمی‌تواند بدون علت به وجود بیاید.

۵ کدام گزینه با مکتب اصالت جامعه سازگارتر است؟

- ۱ وقتی افراد در جامعه زندگی می‌کنند، یک روح جمعی شکل می‌گیرد و آن‌ها را تابعی از ساختار جامعه قرار می‌دهد.
- ۲ انسان‌ها دارای اختیار و اراده‌ی آزاد هستند، پس می‌توانند آزادانه در جامعه کسب ثروت کنند.
- ۳ برای توسعه‌ی اقتصادی در هر کشوری لازم است سرمایه‌داری تقویت شود.
- ۴ در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی باید نفع و رشد افراد در نظر گرفته شود.

۶ در کدام عبارت، اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف برای نظریات علمی نمایان است؟

- ۱ عوالم مجرد از ماده نیز وجود دارند و با توجه به این‌که نفس انسان تابع قوانین فیزیکی نیست، به عالم مجرد از ماده تعلق دارد.
- ۲ برای پیشرفت جامعه، مالکیت خصوصی باید محترم شمرده شود؛ زیرا جامعه مجموعه‌ی افرادی است که کنار هم زندگی می‌کنند.
- ۳ براساس شواهد تاریخی، انسان توانایی تأثیرگذاری بر جامعه و تغییر آن را دارد؛ بنابراین دارای قدرت اختیار و تصمیم‌گیری است.
- ۴ با توجه به گستردگی ابعاد و ژرفای حقیقت انسان، با تأمل در نفس می‌توان برخی از قوانین بنیادی هستی را درک کرد.

۷ کدام‌یک از مسائل زیر، در حوزه فلسفه اخلاق قرار نمی‌گیرد؟

- ۱ تبعیت ارزش‌های اخلاقی از نفع فرد یا جامعه
- ۲ مطلق بودن مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی
- ۳ چیستی حقیقت و ماهیت عدالت و ظلم
- ۴ نیک و پسندیده بودن راستگویی و عدالت

۸ کدام عبارت درست است؟

- ۱ با تأمل فیلسوفانه در شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق، دانش‌هایی چون تاریخ و حقوق شکل می‌گیرد.
- ۲ فلسفه‌های مضاف در عین این‌که مسائل مشترک میان علوم و فلسفه را مطرح می‌کنند، بنیان‌های عقلی علوم نیز هستند.
- ۳ امکان شناخت وجود، فرع بر معرفت آن است و به همین دلیل یکی از مسائل فلسفه، امکان یا عدم امکان شناخت است.
- ۴ آن دسته از دانش‌هایی که قوانین بنیادی علوم را به وجودشناسی منتقل می‌سازند، شاخه‌های فلسفه هستند.

۹ کدام گزاره، در حوزه فلسفه دین قرار دارد؟

- ۱ ۱۲۴ هزار پیامبر برای راهنمایی و هدایت انسان‌ها برانگیخته شده‌اند.
- ۲ گرایش به دین، ذاتی انسان و فطری است یا امری اجتماعی؟
- ۳ ادیان توحیدی شامل ادیانی است که به خدای یگانه معتقدند.
- ۴ احکام و شرایع دین اسلام کدام‌ها هستند؟

۱۰ با توجه به مباحث فلسفه‌های مضاف، کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ آن‌چه در علوم مورد بحث قرار می‌گیرد در فلسفه‌های مضاف پذیرفته خواهد شد.
- ۲ گرایش به لیبرالیسم ناشی از عدم اعتقاد به موجودیت واقعی جامعه است.
- ۳ اگر معتقد به تفاوت جامعه‌ی ایرانی و جامعه‌ی فرانسوی باشیم، لزوماً نمی‌توان گفت که به سوسیالیسم ملتزم هستیم.
- ۴ نظرات تربیتی اهل فلسفه، برآیند نظرات فلسفی ایشان است.

۱۱ کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ امروزه روند استفاده و تولید فلسفه‌های مضاف، سیر صعودی دارد.
- ۲ با توجه به موضوعات مختلف علمی، شاخه‌های جدید فلسفه شکل می‌گیرد.
- ۳ شکل‌گیری فلسفه‌های مضاف در دنیای امروزه، هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود.
- ۴ مبانی پذیرفته‌شده در فلسفه‌ی مضاف، شالوده‌ی مباحث فلسفه‌ی اولی می‌شود.

۱۲ کدام گزینه علت تقسیم فلسفه به دو بخش اصلی و فرعی نیست؟

- ۱ معرفت به وجود فرع بر امکان شناخت است.
- ۲ بررسی توانایی انسان در شناخت هستی
- ۳ بررسی ابزارهای بشر برای شناخت هستی
- ۴ به‌دست آوردن قوانین مربوط به هستی

۱۳ کدام یک از گزینه‌های زیر درباره‌ی بخش فرعی فلسفه نادرست است؟

- ۱ بخش فرعی فلسفه می‌تواند با تأمل فیلسوفانه در علم تاریخ یا هر علم دیگری به‌وجود بیاید.
- ۲ نام دیگر آن فلسفه مضاف است زیرا کلمه‌ی فلسفه به نام دانش‌های خاص اضافه شده است.
- ۳ فلسفه بی‌شمار بخش فرعی دارد که به تبعیت از آن می‌توان نتیجه گرفت که تعداد علوم نیز بی‌شمار است.
- ۴ بررسی میزان اعتبار راه‌های شناخت اگر در بخش فرعی فلسفه بررسی شود، نتیجه‌ی دقیقی نخواهد داشت.

۱۴ چند مورد از عبارت‌های زیر در خصوص فلسفه‌ی مضاف و فلسفه‌ی اولی صحیح نمی‌باشد؟

- الف) تأثیر فلسفه‌ی اولی و مضاف بر یکدیگر متقابل است.
- ب) آن‌چه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته می‌شود، اساس و شالوده‌ی نظریات در علوم قرار می‌گیرد.
- ج) نسبت میان آن‌ها به ترتیب مانند نسبت بین ریشه و شاخه است.
- د) فلسفه‌ی مضاف بر معرفت‌شناسی‌ای که از فلسفه‌ی اولی گرفته است، نظارت می‌کند.
- هـ) فلسفه‌ی مضاف از مابعدالطبیعه تغذیه می‌کند.
- و) ما بعدالطبیعه از فلسفه‌ی مضاف تغذیه می‌کند.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۱۵ بخش اصل فلسفه .....

- ۱ می‌تواند نوعی فلسفه‌ی مضاف باشد.
- ۲ وجودهای خاص را بررسی می‌کند.
- ۳ ریشه و اساس فلسفه است.
- ۴ ریشه‌ای‌ترین مسائل علوم را مطرح می‌کند.

۱۶ چه تعداد از گزاره‌های زیر مربوط به «فلسفه‌های مضاف» است؟

- قانون علیت در سرتاسر عالم جاری است.
- ذهن چیزی به جز سلول‌های مغز نیست.
- تاریخ انسان از قانونمندی خاصی پیروی می‌کند.
- هستی یک وجود بی‌انتهاست و حد و مرزی ندارد.
- راه‌های مختلفی برای شناخت جهان وجود دارد.

۴ ۴

۲ ۳

۱ ۲

۳ ۱

۱۷ می‌توان گفت که فلسفه‌های مضاف .....

- ۱ پل ارتباط میان شاخه‌های مهم فلسفه و سایر علوم بشری است.
- ۲ مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه‌های گوناگون دانش می‌کند.
- ۳ پاسخگوی هر گونه سؤال درباره‌ی علوم و فنون مختلف بشری است.
- ۴ درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.

۱۸ کدام گزینه، درباره فلسفه‌های مضاف صحیح نیست؟

- ۱ فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی دین، فلسفه‌ی فیزیک و فلسفه‌ی طبیعت از جمله فلسفه‌های مضاف است.
- ۲ در فلسفه‌های مضاف، کلمه‌ی فلسفه به دانش و یا موضوع خاص اضافه شده است.
- ۳ به آن بخش از مباحث فلسفی که مبانی هر علم را بررسی می‌کند، فلسفه مضاف آن علم گفته می‌شود.
- ۴ فلسفه‌های مضاف مستقل و بی‌ارتباط با هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی می‌باشند.

۱۹ معرفت‌شناسی را از آن حیث جزء بخش ..... فلسفه می‌دانیم که .....

- ۱ ریشه‌ای - معرفت نسبت به وجود مقدم بر امکان معرفت وجود است.
- ۲ فرعی - شناخت نسبت به هستی فرع بر امکان شناخت است.
- ۳ اصلی - شناخت نسبت به هستی فرع بر امکان شناخت وجود است.
- ۴ شاخه‌ای - معرفت نسبت به وجود مقدم بر امکان معرفت است.

۲۰ کدام عبارت توصیف درستی از حیطه‌های فلسفه ارائه می‌دهد؟

- ۱ فلسفه اولی پل ارتباطی میان فلسفه مضاف و بقیه دانش‌های بشری است.
- ۲ فلسفه اولی بخش اصلی فلسفه است که ریشه و شاخه‌های فلسفه را دربر می‌گیرد.
- ۳ فلسفه‌های مضاف، مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه‌های گوناگون علوم می‌کنند.
- ۴ فلسفه اولی را می‌توان بخشی از فلسفه اولی دانست.

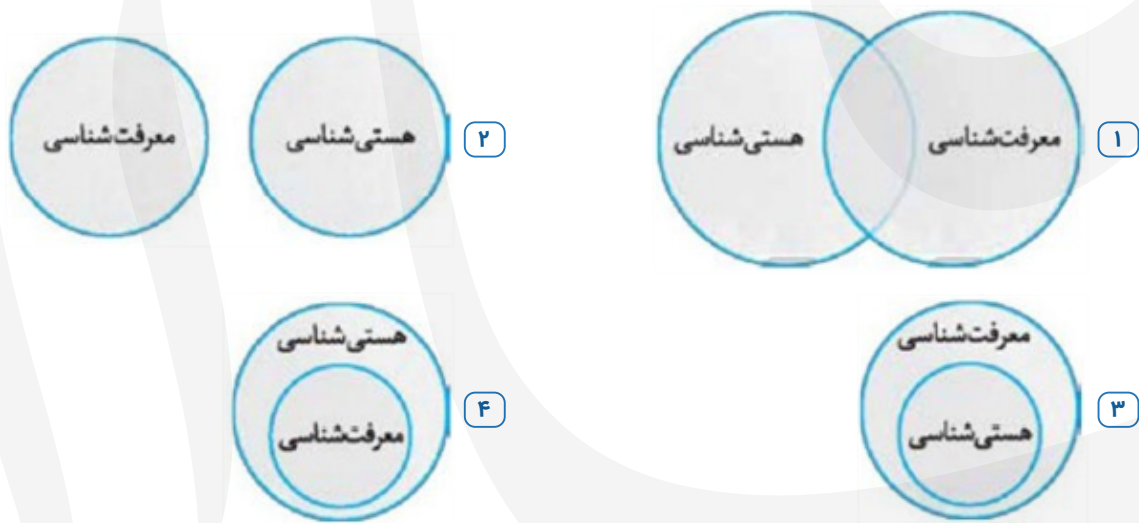
۲۱) کدام گزینه درباره‌ی سیاست‌گذاری «لیبرال» درست است؟

- ۱) برنامه‌های اقتصادی آن سمت و سویی اجتماعی دارد.
- ۲) در اقتصاد بر مالکیت خصوصی افراد تأکید می‌کند.
- ۳) در برنامه‌ریزی فرهنگی، منافع جمع را اولویت می‌داند.
- ۴) رفاه اجتماعی از طرف دولت را مقدم بر منافع فرد می‌داند.

۲۲) معرفت‌شناسی، ریشه و اساس فلسفه محسوب می‌شود؛ زیرا ..... .

- ۱) بدون دستیابی به شناخت عقلی درست، نمی‌توان هیچ حقیقتی از جهان را کشف کرد.
- ۲) کشف هر گونه حقیقت هستی، فرع بر کشف خود انسان و ماهیت ناشناخته‌ی انسان است.
- ۳) برای کسب توانایی در شناخت حقیقت جهان، باید نسبت به هستی شناخت داشته باشیم.
- ۴) دستیابی به هرگونه معرفتی نسبت به وجود، فرع بر امکان انسان در شناخت وجود دارد.

۲۳) کدام شکل، نسبت میان هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را به درستی نشان می‌دهد؟



۲۴) کدام مورد بیان‌گر دیدگاهی صحیح نسبت به فلسفه است؟

- ۱) دامنه‌ی فلسفه‌های مضاف، با وجود کارکرد زیاد، تقریباً محدود است.
- ۲) فلسفه‌ی تکنولوژی، تأثیرات تکنولوژی بر یافته‌های فلسفی را بررسی می‌کند.
- ۳) هر رشته‌ی علمی می‌تواند یک فلسفه‌ی مضاف نیز داشته باشد.
- ۴) فلسفه‌ی اولی، مهم‌ترین شاخه‌ی فلسفه‌ی مضاف به شمار می‌رود.

۲۵ چرا وقتی فیلسوف از سیاست سخن می‌گوید، درباره‌ی مسائلی که سیاستمدار به آن‌ها می‌پردازد بحث نمی‌کند؟ زیرا:

- ۱ فیلسوفان وارد هر موضوعی می‌شوند و از سیاست و هر مقوله‌ی دیگری سخن می‌گویند.
- ۲ فلسفه درباره‌ی بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین مسئله‌ها و موضوعات جهان و انسان بحث می‌کند.
- ۳ سیاستمدار تنها از سیاست حرف می‌زند در حالی که فیلسوف توجه به سایر پرسش‌ها نیز دارد.
- ۴ فیلسوف حقیقتاً توجهی به خود سیاست ندارد بلکه با روش عقلی از آن سخن می‌گوید.

- ۱ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فلسفه‌های مضاف قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌کنند و قوانین بنیادی آن محدوده از وجود را بیان می‌کنند. اگر کسی در وجودشناسی نظریه‌ای را پذیرفته باشد، در فلسفه مضاف نیز دارای عقایدی متناسب با آن خواهد بود و نظر او در فلسفه مضاف، در نظریات علمی او مؤثر است.
- ۲ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. کسانی که در فلسفه علوم اجتماعی به اصالت جامعه معتقدند در سیاست به سوسیالیسم گرایش دارند. در مکتب اصالت جامعه، اعتقاد بر این است که وقتی انسان در جامعه زندگی می‌کند، یک روح جمعی شکل می‌گیرد.
- ۳ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۲، گزاره اول و دوم به معرفت‌شناسی و گزاره سوم به انسان‌شناسی فلسفی تعلق دارد. در گزینه ۴، گزاره اول به هستی‌شناسی و گزاره دوم و سوم به معرفت‌شناسی مرتبط است. در گزینه ۳، گزاره اول و دوم به معرفت‌شناسی و گزاره سوم به فلسفه علوم اجتماعی تعلق دارد.
- ۴ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. این گزاره به حوزه هستی‌شناسی مرتبط است؛ بنابراین عام‌تر و کلی‌تر از سایر گزاره‌ها است. محتوای سایر گزینه‌ها به حوزه معرفت‌شناسی یا فلسفه مضاف مرتبط است.
- ۵ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. محتوای سایر گزینه‌ها با اصالت فرد سازگار است، زیرا برای فرد اولویت و هویت مستقل قائل شده است و نفع فرد مقدم بر جامعه است، ولی در این گزینه برای جامعه هویت مستقل در نظر گرفته شده است. درس دوم ص ۱۶
- ۶ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اینکه جامعه صرفاً مجموعه افرادی است که کنار هم زندگی می‌کنند، دیدگاه اصالت فرد است که یک دیدگاه مربوط به فلسفه علوم اجتماعی است که از فلسفه‌های مضاف محسوب می‌شود. از این دیدگاه محترم بودن مالکیت خصوصی برای پیشرفت جامعه نتیجه شده است که دیدگاهی علمی در دانش اقتصاد است. پس در این عبارت، اساس و شالوده بودن فلسفه‌های مضاف برای نظریات علمی نمایان است.  
گزینه ۱: وجود عوالم مجرد از ماده مربوط به ریشه فلسفه است، نه فلسفه مضاف.  
گزینه ۳: مطالبی که بر اساس شواهد تاریخی دانسته شود، فلسفی نیست و طبعاً به فلسفه مضاف هم مربوط نمی‌شود.  
گزینه ۴: از انسان‌شناسی فلسفی به دنبال استنباط نتایجی در ریشه فلسفه است، نه در نظریات علمی. انسان‌شناسی فلسفی اگرچه شاخه فلسفه است ولی یک فلسفه مضاف نیست زیرا در نام آن، «فلسفه» به چیزی اضافه نشده است.
- ۷ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. نیک و پسندیده بودن راستگویی و عدالت، در حوزه علم اخلاق است، ولی محتوای سه گزینه دیگر به مسائل بنیادین علم اخلاق می‌پردازد و در حوزه فلسفه اخلاق قرار دارد.
- ۸ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فلسفه‌های مضاف، مسائلی مشترک میان علوم خاص مثل علوم اجتماعی و علم فلسفه مانند اصالت فرد یا اجتماع را بررسی می‌کنند و در کنار آن، بنیان‌های عقلی علوم را نیز، شکل می‌دهند.  
بررسی سایر گزینه‌ها:  
گزینه ۱: تأمل فیلسوفانه در حوزه‌هایی مانند اخلاق، دین، تاریخ و طبیعت، شاخه‌هایی از فلسفه مانند فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه تاریخ و فلسفه طبیعت شکل می‌گیرد.  
گزینه ۳: عبارت برعکس است. معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است.  
گزینه ۴: شاخه‌های دانش فلسفه، آن دسته از دانش‌های فلسفی هستند که قوانین بنیادی وجودشناسی و معرفت‌شناسی را به محدوده‌های خاص منتقل می‌سازند.
- ۹ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. محتوای سایر گزینه‌ها یک پرسش یا مسئله بنیادین در حوزه دین نیست و برای بررسی آن‌ها صرفاً از روش عقلی و استدلالی استفاده نمی‌شود، اما این عبارت که «آیا دین ذاتی بشر است یا یک پدیده اجتماعی است؟» مسئله‌ای بنیادی در حوزه دین است و نیاز به تبیین عقلانی دارد.



- ۱۰) گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فلسفه‌های مضاف مبانی علوم را بررسی و تحکیم می‌کنند. آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس نظریات در علوم قرار می‌گیرد (در خود علوم در مورد آن بحث نمی‌شود). تشریح سایر گزینه‌ها:  
گزینه ۲: کسانی که به اصالت فرد اعتقاد دارند، جامعه را چیزی بیش‌تر از مجموع افراد نمی‌دانند و در نتیجه برای جامعه وجود واقعی در نظر نمی‌گیرند؛ این افراد در حیطه‌ی سیاست به لیبرالیسم گرایش دارند.  
گزینه ۳: گرایش به سوسیالیسم ناشی از اعتقاد به اصالت جامعه است. دیدگاه اصالت جامعه تنها جامعه را اصیل می‌داند و منافع جمع را در نظر دارد. اما دیدگاه سومی هم مطرح است که اصالت فرد و جامعه را توأمان در نظر دارد. در این دیدگاه اگر چه افراد مختار و آزادند که راه زندگی خود را انتخاب کنند اما هر جامعه‌ای یک روح جمعی دارد که بر افرادش مؤثر است. بنابراین کسانی که به متفاوت بودن جوامع از هم معتقدند، لزوماً طرفدار اصالت جامعه نیستند. ممکن است طرفدار اصالت فرد و جامعه باشند؛ بنابراین نمی‌توان حکم قطعی داد که اینان در سیاست به سوسیالیسم گرایش دارند.  
گزینه ۴: دیدگاه‌های فیلسوفان در فلسفه، سبب پیدایش مکاتب بزرگ تربیتی شده است. برای درک بهتر هر مکتب تربیتی باید ابتدا فلسفه‌ای را که پشتوانه‌ی آن است به درستی فهمید.
- ۱۱) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. روند استفاده و تولید فلسفه‌های مضاف، سیر صعودی دارد و در دنیای امروز دامنه‌ی استفاده از این فلسفه‌ها بسیار توسعه یافته و با توجه به بسیاری از پدیده‌ها یا رشته‌های علمی، شاخه‌هایی از فلسفه شکل گرفته است، مانند: فلسفه‌ی فرهنگ، فلسفه‌ی حقوق، فلسفه‌ی تاریخ و ...  
توجه: مبانی پذیرفته‌شده در فلسفه‌ی مضاف، شالوده‌ی آن علم خاص می‌شود.
- ۱۲) گزینه ۴ پاسخ صحیح است.  
از آن‌جا که معرفت به وجود، فرع بر امکان شناخت آن است، آنان می‌خواهند توانایی انسان در شناخت هستی هم بررسی کنند و بدانند که بشر چگونه و با چه ابزاری می‌تواند به شناخت هستی بپردازد. مثلاً می‌خواهند بدانند که آیا انسان می‌تواند قانون علیت را دریابد و به وجود چنین قانونی در جهان مطمئن شود، از این‌رو بخش اصلی و ریشه‌ای فلسفه را به دو بخش تقسیم می‌کنند.
- ۱۳) گزینه ۴ پاسخ صحیح است.  
راه‌های مختلف شناخت و میزان اعتبار هر یک در معرفت‌شناسی، در بخش اصلی فلسفه بررسی می‌شود و اصلاً امکان بررسی در بخش فرعی فلسفه را ندارد که بخواهد حتی نتیجه غیردقیقی داشته باشد.
- ۱۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. بررسی عبارت‌های نادرست:  
الف) فلسفه‌ی اولی بر فلسفه‌ی مضاف تأثیر می‌گذارد اما از فلسفه‌ی مضاف تأثیر نمی‌پذیرد. (فلسفه‌ی مضاف، فرخ بر فلسفه‌ی اولی است.)  
ج) نسبت میان آن‌ها مانند نسبت بین شاخه و ریشه است. (در سؤال، برعکس ذکر شده است.)  
د) فلسفه‌ی مضاف نمی‌تواند بر معرفت‌شناسی‌ای که از فلسفه‌ی اولی گرفته است، نظارت کند و تنها از آن تبعیت می‌کند.  
و) دیدگاه هر دانشمندی در مسائل فلسفه‌ی مضاف، برگرفته از شیوه‌ی جهان‌شناسی وی می‌باشد که فلسفه‌ی اولی یا مابعدالطبیعه نامیده می‌شود و از آن تغذیه می‌کند.
- ۱۵) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش‌های فرعی است که بخش اصلی به منزله‌ی ریشه و اساس فلسفه است.
- ۱۶) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «ذهن چیزی به‌جز سلول‌های مغز نیست» ← فلسفه‌ی ذهن (فلسفه‌ی مضاف)  
«تاریخ انسان از توانمندی خاصی پیروی می‌کند» ← فلسفه‌ی تاریخ (فلسفه‌ی مضاف)  
سایر گزاره‌ها مربوط به هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی هستند که از بخش‌های اصلی فلسفه محسوب می‌شوند.



- ۱۷) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مبانی و زیربناهای علوم در فلسفه‌های مضاف قرار دارند و آنچه در فلسفه‌های مضاف پذیرفته شود، اساس و شالوده‌ی نظریات در علوم قرار می‌گیرد، پس فلسفه‌های مضاف، مسائل خاص فلسفه را وارد حیطه‌های گوناگون علوم می‌کنند. بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۱) فلسفه‌های مضاف پل ارتباط میان فلسفه (نه شاخه‌های فلسفه) و سایر علوم بشری است.
- (۳) فلسفه‌های مضاف، سؤال‌های بنیادی علوم را بررسی می‌کند.
- (۴) هستی‌شناسی یا همان وجودشناسی است که درصدد بحث و بررسی اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن است.
- ۱۸) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی دو بخش اصلی فلسفه می‌باشند. بخش اصلی فلسفه به منزله‌ی ریشه و اساس فلسفه است و بخش‌های فرعی در حکم شاخه‌های و ستون آن‌اند. لذا فلسفه‌های مضاف از هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مستقل نیستند و با آن دو ارتباط دارند.
- ۱۹) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از آن‌جا که معرفت به وجود فرع برامکان شناخت آن است. فلاسفه می‌خواهند توانایی انسان را در شناخت هستی بررسی کنند.
- ۲۰) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. فلسفه‌های مضاف همان وجه اشتراک علوم با فلسفه اولی هستند و این فلسفه‌ها کارشان این است که این مطالب فلسفی را وارد هر علمی کنند.
- ۲۱) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. لیبرالیسم رویکردی سیاسی است که از دیدگاه اصالت فرد نشئت گرفته و به همین دلیل، منافع فرد را در جامعه اولویت می‌داند (رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴). بنابراین، بیش‌تر بر مالکیت خصوصی در برنامه‌های اقتصادی تأکید می‌کند.
- ۲۲) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر انسان در فلسفه در پی کشف حقیقت جهان و پاسخ به پرسش‌های بنیادی و فلسفی است، ابتدا باید ببیند که حدود و توانایی‌اش در شناخت جهان و حقایق آن چه‌قدر است و با چه ابزاری می‌تواند حقایق هستی را بشناسد. به عبارت دیگر، دستیابی به هرگونه معرفتی نسبت به وجود، فرع بر امکان شناخت حقیقت است. و بررسی این امکان شناخت و حدود شناخت انسان، مباحثی است که در معرفت‌شناسی مطرح می‌شود.
- ۲۳) گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معرفت و شناخت، خودش نوعی هستی و وجود است؛ بنابراین، معرفت‌شناسی نیز در دل هستی‌شناسی قرار می‌گیرد. یعنی وقتی بخواهیم اقسام وجود را بررسی کنیم، قطعاً علم و شناخت نیز بررسی می‌شود، اما امروزه به دلیل توسعه‌ی این بخش از فلسفه، آن هم به طور مستقل در نظر گرفته شده است؛ ولی در اصل، این گونه نیست.
- ۲۴) گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «می‌توان برای هر رشته‌ی علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد». دامنه‌ی فلسفه‌های مضاف بسیار گسترش پیدا کرده (رد گزینه‌ی ۱). فلسفه‌ی تکنولوژی به تأمل فلسفی بر ماهیت امر تکنولوژیک می‌پردازد (رد گزینه‌ی ۲). فلسفه‌ی اولی یکی از دو بخش اصلی فلسفه است نه از شاخه‌های فلسفه (رد گزینه‌ی ۴).
- ۲۵) گزینه ۲ پاسخ صحیح است. فلسفه درباره‌ی بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین مسئله‌ها و موضوعات جهان و انسان بحث می‌کند. به عبارت دیگر، فیلسوفان وارد هر موضوعی که می‌شوند، به مسائل بنیادی آن می‌پردازند.